

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

اشرف دهقانی

۰۹ جولای ۲۰۱۳

انقلاب مصر، نتایج و چشم اندازها!

دیروز، ۱۳ تیرماه [سرطان] ۱۳۹۲ برابر با چهارم جولای ۲۰۱۳، ارتش مصر در مقابل انقلاب توده های قهرمان و مبارز مصر مجبور به برکناری دیکتاتور اسلام گرای این کشور که درست در یک سال پیش زیر نظر و حمایت همین ارتش و البته با یک انتخابات نمایشی به مسند قدرت تکیه زده بود، گردید. پس از آن، گوینده تلویزیون با قیافه هیجان زده و با احساساتی که با اشک شوق او در آمیخته بود، مطالبی را خطاب به مردم مصر یا به قول خودش "ملت" مصر بیان نمود. از جمله او به درستی مطرح کرد که " شما الگو و سرمشق برای دیگران هستید" و گفت که هیچ کس نمی تواند مصر را به عصر جهالت برگرداند" که اشاره اش به شکست اسلام گرایان مرتجع به نمایندگی مرسى در مصر بود. گوینده در عین حال با تطهیر ارتش مصر آن را یک نیروی شرافتمند خواند که گویا با دخالت آن حالا دیگر نگرانی ها و دلهره های مردم مرتفع شده است. بر این اساس او به مردم اطمینان داد که پیروزی که آنها خواهانش بودند، به دست آمده و مشوق جشن و سرور شد. گوینده تلویزیون، در حالی که پرچم مصر را مردمک چشم خود می نامید از مردم خواست که با پرچم به خیابان ها بیایند و گفت " شادی و مسرت را در خیابان ها ببینید".

با همه ریاکاری که در سخنان فوق نهفته است و از جمله در مورد پرچمی که ارتش هر روز جنایات و توطئه های خود به ضد توده های مصر را با قسم به آن انجام می دهد، اما " شادی و مسرت در خیابان" که گوینده از آن سخن گفت، به توده های میلیونی نیز تعلق دارد. هر چند که آنها هنوز به خواست های اصلی خود نرسیده اند. این پارادوکسی است که بیم و نگرانی را با شادی و مسرت در وجود آنها به هم پیوند می زند.

واقعیت این است که این قدرت مبارزه ستمدیده ترین طبقات جامعه (کارگران و زحمتکشان، اقلیت پائین جامعه، ستمدیدگان متعلق به حلبی آباد ها، تأمین کنندگان معاش خود ازدرون سطل های زباله، همان ها که جانشان از سیاست های تحمیلی نهادهای امپریالیستی چون بانک جهانی و صندوق بین المللی به لب رسیده) بود که ارتش ضد خلقی مصر، این نیروی مسلح دشمنان توده ها که سرسپردگی اش به امپریالیسم امریکا غیر قابل انکار است را وادار به تعویض حسنی مبارک با محمد مرسى کرد؛ و هنوز یک سال از روی کار آوردن مرسى توسط این ارتش نگذشته است که باز مبارزات انقلابی توده های دربند، آن را گرفتار چنان مخمصه ای نمود که حاضر شد علیه کسی که وی را رئیس جمهور منتخب مردم می نامید، کودتا راه بیندازد و این بار دست نشانندگان خود را از میان دارو دسته ای در شکل متفاوت از دارو دسته مرسى به اریکه قدرت بنشانند. مسلم است که تحمیل چنین عقب نشینی ها به دشمنان برای توده

های مبارز و دلاور مصر مایه غرور بوده و جای مباحثات و شادمانی دارد. اما از این هم بیشتر و والاتر محق بودن مردم در برپائی "شادی و مسرت در خیابان" به موضوع مشخصی بر می گردد که حتی دیگر توده های تحت ستم امپریالیست های امریکا و شرکاء در سطح جهان نیز از آن دلخوش و شادمانند. این موضوع مشخص همانا به پائین کشیده شدن جریان اسلام گرای "اخوان المسلمین" از اریکه قدرت می باشد که به حق باید از آن به عنوان دست آورد بزرگ انقلاب توده های قهرمان مصر یاد نمود. به خصوص این امر برای ما ایرانیان جای تأکید دارد که اگر در ۳۴ سال پیش امپریالیست های غرب متشکل از امریکا و انگلستان و المان و فرانسه در کنفرانس گوادولوپ برای مقابله با انقلاب عظیم مردم ایران، شاه را فداء کرده و خمینی را به مثابه سمبل ارتجاع اسلامی به مردم ایران تحمیل کردند، و بعد با کمک نیروهای سیاسی سازشکار و اپورتونیست (نیروهائی که با ضد امپریالیست خواندن رژیم جمهوری اسلامی مانع از رشد مبارزات علیه این رژیم شدند) به تحکیم پایه های آن پرداختند، و پس از آن، اگر این واقعیتی است که اکنون چند دهه است که "بنیاد گرایی اسلامی" برای امپریالیست ها در سطح جهان به چماقی تبدیل شده که با آن به طرق مختلف نه فقط در منطقه خاورمیانه بلکه در سطح جهان سیاست های ضد خلقی خود را پیش می برند، رزم های خونین و دلاورانه توده های تحت ستم مصر، امروز به این چماق ضربه زده و در حال حاضر آن را در این کشور از دست امپریالیست ها گرفته است.

بنابراین، در شرایطی که بنیاد گرایی اسلامی به عنوان وسیله ای جهت غلبه بر بحران های لاعلاج سیستم سرمایه داری جهانی امروز شدیداً مورد استفاده امپریالیست های غرب قرار دارد، جائی که امپریالیست ها امروز بیش از هر وقت دیگر به تقویت و رواج آن در سطح جهان می پردازند، در شرایطی که تعفن آن حتی به کشورهای متروپل نیز رسیده و در این کشورها بودجه های کلانی برای اشاعه اسلام گرایی صرف می شود، در چنین اوضاعی، ناکامی کنونی امپریالیسم امریکا در استقرار "جمهوری اسلامی" دیگری در کشور پهناور مصر، به مثابه یکی از کشورهای مهم عربی و تأثیر گذار در منطقه، یک موفقیت مبارزاتی برای مردم به پا خاسته این کشور محسوب می شود.

یادادوکس قضیه در آن است که موفقیت مزبور که به واقع موفقیتی بزرگ نه فقط برای ستمدیدگان مصر بلکه برای همه نیروهای ضد امپریالیست در سراسر گیتی است، در شرایط عدم موفقیت مردم ستمدیده مصر در رساندن انقلاب خود به دروازه پیروزی به دست آمده است. این توده ها در فقدان یک طبقه کارگر آگاه و متشکل که قادر به رهبری مبارزات انقلابی توده های تحت ستم مصر باشد و در فقدان نیروی مسلح خود، از چنان حد از نیرو و توان انقلابی برخوردار نبودند که بتوانند دشمنان خود را کاملاً بر زمین زده و خود سکان امور را به دست گیرند. بنابراین، در شرایط متشکل و مسلح بودن دشمنان توده ها و در شرایط فعالیت انواع تشکل های بورژوائی که به تبلیغات مسموم از جمله "بی طرف" و یا حتی "طرف مردم" نشان دادن ارتش ضد خلقی و امریکائی مصر مشغول بودند، در شرایطی که با علم کردن به اصطلاح جنبش "تمرد" که همان "نافرمانی مدنی" مورد تبلیغ اصلاح طلبان و سازشکاران ایرانی است، سعی می شد نیروی مبارزاتی مردم به سوی چنین راه های حلی کشیده شود، انقلاب ستمدیدگان مصر در نیمه راه متوقف شد.

به طور خلاصه انقلاب در مصر با ناکام گذاشتن طرح ها و سیاست های دشمنانش، قدرت خویش را آشکار ساخت و هم زمان، درحالی که قادر به مقابله موفقیت آمیز با نیروهای مسلح دشمن نگشته و نتوانسته بود که مانع از آن شود که ارتش با یک اقدام کودتائی، خود را حامی مردم جا بزند، ضعف خود را به نمایش گذاشت.

شکی نیست که حضور ضد انقلاب در جنبش انقلابی مردم با ادعای طرفداری از توده ها- به همانگونه که ارتش و نیروهای متشکل سیاسی متعلق به جبهه بورژوازی نظیر "جبهه نجات ملی" در مصر عمل کردند، راه را نه فقط برای جلوگیری از رشد مبارزات انقلابی مردم و فریب و گمراهی آنها بلکه تحمیل آلترناتیو های ارتجاعی در این یا آن قالب

و شکل و شمایل به مردم، باز می‌گذارد. مثلاً "جبهه نجات ملی" که گفته می‌شود بزرگترین ائتلاف مخالفان محمد مرسى و قانون اساسى دوره او بوده، پیش از حضور میلیونی توده‌های خشمگین و انقلابی در صحنه مبارزه، مردم را به بازی در بساط حکومت وقت تشویق می‌کرد و از آنها می‌خواست که "در این همه پرسى شرکت کنند، اما به پیش نویس قانون اساسى رأى منفى دهند". درحالى که همین‌ها با دیدن قدرت توده‌ها در جریان تظاهرات و درگیری‌های شجاعانه‌شان با نیروهای مسلح ضد انقلاب، به تملق از مردم پرداخته و خود را ظاهراً هم صدا با توده‌های انقلابی نشان دادند؛ و البته این بار کار فریب توده‌ها را به گونه‌ای دیگر پی گرفتند. در بحبوحه انقلاب اخیر هم دیدیم که چطور سخنگویان "جنبش تمرّد" کوشیدند که "ارتش، پولیس و دستگاه قضائى" را حامی مردم مصر جا بزنند.

اما واقعیت این است که ارتش، پولیس و دستگاه قضائى مصر ابزار طبقه استثمارگر یعنی بورژوازی وابسته به امپریالیسم مصر بوده و برای به انقیاد کشیدن و تحت سلطه نگاه داشتن توده‌های میلیونی مصر به وجود آمده‌اند. اساساً این دیگر امر ثابت شده‌ای است که قدرت دولت در برگیرنده "افراد مسلح" است که "ضمانتى نیز دارد از قبیل زندان‌ها و انواع مؤسسات قهریه"، یا به قول انگلس نیروی دولت مرکب است از "دسته‌های خاص افراد مسلح که زندان‌ها و غیره را در اختیار خود دارند" (مطالب توی گیومه از لنین "دولت و انقلاب" - پیشگفتار برای چاپ نخست، گرفته شده). این "دسته‌های خاص افراد مسلح" یا اگر با زبان آشنای خود سخن بگوئیم، همان ارتش با ضمانتى نظیر نیروی پولیس، اساساً عمده‌ترین عامل بقای طبقات استثمارگر و در شرایط کنونی در کشورهای وابسته‌ای نظیر مصر یا ایران، عمده‌ترین عامل بقای حاکمیت امپریالیستی و سیستم ظالمانه سرمایه‌داری وابسته در این کشورها می‌باشد. بر این مبناست که به طور قاطع انقلاب توده‌ها جز از طریق غلبه بر این ارتش و نابودی آن به دست نمی‌آید. در حقیقت، پیروزی انقلاب توده‌ها در گرو قدرت آنها در به زانو در آوردن و درهم شکستن و نابودی ارتش دشمن با همه ضمانت‌هایش می‌باشد؛ و این امر متحقق نمی‌شود مگر آن که توده‌های تحت ستم نیز بتوانند نیروی نظامی خود را سازمان دهند و با ارتش توده‌ئی خود به جنگ ارتش دشمنانشان رفته و قاطعانه علیه آن بجنگند و آن را از پای در آورند. این واقعیتی است که دشمنان مردم از آن به خوبی آگاه‌اند و با حدیث تمام نیز به آن برخورد می‌کنند. بیهوده نیست که وقتی جوانان مصری که قبلاً از "بیرون کشیدن اسلحه‌ها" صحبت کرده بودند، بر اساس اخباری که به بیرون درز پیدا کرده، در جریان انقلاب اخیر در اینجا و آنجا دست به اسلحه بردند، دشمنان وحشت زده هوشدار دادند که اگر ارتش دیر بجنبید و دست به اقدامی نزنند، کنترل اوضاع از دستش خارج شده و دیگر نخواهد توانست انقلاب مردم را به راحتی مهار کند. * تن دادن ارتش به کودتا و فرستادن نوکر جدید امریکا (مرسى) به پیش نوکر قدیمی (مبارک) در شرایط گسترش و اوج گیری انقلاب در سراسر مصر در حالى صورت گرفت که این "دسته‌های خاص افراد مسلح"، این عمده‌ترین عامل بقای حاکمیت امپریالیستی در مصر، خود را ناتوان از حفظ و حراست از سیستم سرمایه‌داری حاکم بر مصر به روش‌های تاکنون معمول خود دیدند. شعار عمومی در تظاهرات مردم، شعار "الشعب یُرید إسقاط النظام" (خلق خواهان سقاط شدن یا از بین رفتن نظام موجود هستند) بود و امریکا درست برای خفه کردن این صدا و جلوگیری از تعمیق انقلاب، خود را در چنان شرایط دردناکی یافت که مجبور به زیر پا گذاشتن دموکراسی ادعائی خود و خلع مرسى از ریاست جمهوری گردید. در حالى که هنوز نمی‌خواهد او را حاصل رأى مردم جا نزند.

امروز که با مداخله ارتش، یک بار دیگر امریکا جهت تحکیم سلطه خود بر مصر، از میان عناصر طبقه حاکم و خود فروختگان مشغول یار گیری جدیدی است، خطر بزرگی جنبش انقلابی توده‌های مصر را تهدید می‌کند. با خلع مرسى، درحال حاضر قدرت به دست عدلى منصور، رئیس دادگاه‌عالی قانون اساسی سپرده شده که قرار است تا برگزاری انتخابات قانون‌گذاری و ریاست جمهوری، کشور را اداره کند. این امر در طی بیانیه‌ای که توسط وزیر دفاع، عبدالفتاح السیسی قرائت شد، اعلام گشت. عبدالفتاح السیسی به داشتن رابطه تنگاتنگ با مقامات نظامی و دیپلماتیک

امریکا شهرت دارد و قابل توجه است که در کنفرانسی که وی بیانیۀ مزبور را خواند، کسانی چون شیخ الازهر، اسقف قبطی ها، محمد البرادعی، رئیس پیشین آژانس بین المللی اتمی و شماری از رهبران "جنبش تمرّد" شرکت داشتند که قاعدتاً پیش برندگان آتی سیاست های طبقه حاکمه و آمریکا در این کشور خواهند بود. امپریالیسم آمریکا و بورژوازی وابسته مصر امروز با یارگیری های جدید و با دست زدن به تکتیک های گوناگون، در حقیقت خود را برای سرکوب هر چه بیشتر و خونین تر توده های انقلابی آماده می کند. آنها برای سازماندهی مجدد امور و نیروهای جدید جهت حمله به توده های مردم نیازمند زمان هستند. بنابراین، از یک طرف با ایجاد توهم پیروزی در میان مردم و با منتظر نگاه داشتن آنها برای برگزاری انتخابات بعدی، دست به فریب توده ها زده و می کوشند آن ها را از تداوم حرکات انقلابی خود برحذر داشته و خنثی نگاه دارند، و از طرف دیگر با باز گذاشتن دست مرتجعینی با نام هواداران اخوان المسلمین برای ایجاد درگیری با نیروهای انقلابی در جامعه، به تکتیک حيله گرانه ای دست یازیده اند که از جهات مختلف به سود طبقه حاکمه است. نیروی مرتجع سرازیر شده به خیابان تحت عنوان دفاع از دیکتاتور اسلام گرای ساقط شده، نه فقط سعی در حذف فزینی نیروهای انقلابی جامعه را دارند بلکه انرژی انقلابی آنها را که طبیعتاً می باید صرف مبارزه برای تحقق خواست های طبقاتی خویش و در نتیجه مبارزه با دست نشانندگان جدید آمریکا شود، با مشغول کردن آنها به خود، به هرز می برد. وجود این نیروی مرتجع در خیابان در عین حال بدان معناست که امپریالیسم آمریکا هنوز به شکست خود برای برپائی "جمهوری اسلامی" دیگری در مصر تن نداده و در صدد است این نیرو را تقویت نموده و در موقعیت مناسبی آن را به گونه ای علیه توده های مبارز به کار گیرد. مثلاً به عنوان یک پای به اصطلاح انتخابات آینده.

از جنبه دیگر نباید فراموش کرد که چهره آمریکا به مثابه دشمن اصلی، برای توده های مردم مصر شناخته شده می باشد. همچنین ستمدیدگان مصر هرگز جنایات و اعمال ضد خلقی ارتش در طی عمر طولانی اش در حق توده های مردم را فراموش نکرده اند. وابستگی این ارتش به امپریالیسم آمریکا و این که امروز با به دست گرفتن حدود ۲۵ درصد از اقتصاد کشور به یکی از بزرگترین کارفرمایان مصر تبدیل شده امری نیست که مردم آن را از نظر دور دارند. در عین حال یاد جان باختگان و خون هائی که توسط این ارتش به طور مستقیم یا غیر مستقیم از طریق حکومت های برگمارده اش بر زمین ریخته شده هنوز با آنهاست و به آنها در پیکار بادشمنان، انرژی انقلابی و نیروی مبارزاتی می بخشد. همه این عوامل باعث می شوند که دشمنان به راحتی نتوانند این توده های انقلابی را به عقب رانند. در عین حال زمینه ها و شرایط اقتصادی- اجتماعی ظالمانه موجود که عامل اصلی در به میدان کشاندن نیروی عظیم توده های دلاور مصر به صحنه مبارزه گشت، همچنان پا برجاست و ضرورتاً بانی خیزش های انقلابی دیگری خواهد شد. پس، بگذار امپریالیسم آمریکا به همراه ارتش مزدور مصر در مقابل انقلاب توده ها به تکتیک برکناری یک نوکر، روی کار آوردن مرتجعی مرتجع تر از پیش، دادن قول برقراری انتخابات مجدد و آرایش حکومتی دیگر، روی آورد. اما همانطور که زمانی کمونیست فدائی کبیر (رفیق امیر پرویز پویان) مطرح کرد "تاریخ توالی فصول نیست". در هر یک از این تحولات، این مبارزه طبقاتی است که راه خود را به سوی نابودی طبقه میرنده که تاریخ حکم مرگش را صادر کرده و رشد و قدرت گیری طبقه ای که آینده از آن اوست، می گشاید. طبقه کارگر مصر با پشتیبانی همه ستمدیدگان این کشور طبقه پیروز آینده است. این طبقه و همه توده های دربند مصر در جریان مبارزات انقلابی خود، تجربه های گرانقبری می آموزند و آگاهی انقلابی آنها به همان گونه که قانون همه انقلاب هاست، در طی کنش ها و واکنش های طبقات انقلابی و ضد انقلابی، به صورت جهشی ارتقاء می یابد. آنها به قدرت مبارزاتی خویش واقف گشته و ملزومات پیشروی مبارزات آینده خود را تدارک می بینند. چنین است که حتی در دل شکست مبارزات آنان، نطفه های پیروزی های آینده پرورده می شود.

امروز تضادهای درونی سیستم جهانی سرمایه داری به جایی رسیده است که سرمایه داران (اعم از امپریالیست ها و سرمایه داران وابسته درکشورهای تحت سلطه) تنها با تحمیل غیر انسانی ترین و فجیع ترین شرایط به کارگران و توده عظیمی از مردم، به خصوص در کشورهای تحت سلطه، قادر به تداوم حیات خود می باشند. یا باید به این شرایط که حتی فاجعه بار تر از شرایط کار و زندگی برده ها در دوران برده داری است، تن داد و آن را تداوم بخشید، یا همچون توده های قهرمان مصر با گذر از انقلابی به انقلابی دیگر ملزومات رسیدن به قدرت و برپایی جامعه ای آزاد و فارغ از همه ذلت ها و ننگ های جوامع کنونی را تدارک دید. درود بی کران به کارگران و زحمتکشان و همه ستمدیدگان مصر باد که در نبرد با دشمن مشترک همه خلق های جهان، در این مسیر پیش می روند.

- با اوج گیری مبارزات انقلابی مردم مصر، مقامات آمریکائی که با حساسیت رویدادهای جاری در مصر را دنبال می کردند، از نگرانی های خود از آنچه در مصر می گذرد صحبت کرده و از قول "یک دیپلمات" اعلام شد که: " منابع آگاه به نقل از این دیپلمات ارشد آمریکایی که جان کری وزیر امور خارجه آمریکا را در سفر به خارج از این کشور همراهی می کند گفت اوضاع در مصر بسیار دشوار و نگران کننده است." در ادامه از قول این دیپلمات مطرح شد که برگزاری انتخابات زودهنگام در مصر راه برون رفت از بحران دشوار در این کشور است. " وی اضافه کرده بود که: " باز گرداندن جمعیت تظاهر کنندگان و معترضان به خانه هایشان به تصمیمات دردناکی که محمد مرسی رئیس جمهور مصر می گیرد نیاز دارد." و بالاخره دیپلمات ارشد آمریکائی " در خواست کرد این تصمیم به سرعت گرفته شود تا بتوان از هر گونه واکنش تظاهر کنندگان که امکان دارد ارتش مصر نتواند آن را مهار کند در امان ماند."

۱۵ تیر ماه ۱۳۹۲ - ۶ جولای ۲۰۱۳